

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مقدمه‌ای از مرحوم نائینی(ره) در جواب از عبادات مکروهه

مرحوم نائینی(قدس سره) بعد از اینکه جواب مرحوم آخوند(ره)، در قسم اول از عبادات مکروهه را نپذیرفته‌اند، خودشان جوابی را عنوان کرده و آن را بر مقدمه‌ای مبتنی کرده‌اند، که در مواردی که يك فعل استحبابی وجود دارد، که تبعاً خودش دارای امر هست، اگر امر دیگری عارض شود، دو صورت دارد؛ یا امر دیگر به عین آنچه که امر استحبابی اول به آن تعلق پیدا کرده، تعلق پیدا می‌کند و یا اینکه به غیر او تعلق پیدا می‌کند.

برای مورد اول مثال زده‌اند به جایی که، کسی انجام يك عمل مستحبی را نذر کند، مثلاً کسی اتیان نماز شب را نذر کند، در اینجا این امری که به نذر تعلق پیدا کرده، «اوفوا بالنذور»، درست تعلق پیدا می‌کند به آنچه که، امر استحبابی به آن تعلق پیدا کرده‌است. یعنی این امر نذری که عنوان وجوبی دارد، به صلاه لیل تعلق پیدا می‌کند، در چنین موردی، چون عقل می‌گوید: محال است که، شیء واحد متعلق برای دو حکم قرار گیرد. چه آن دو حکم ضدین یا مثلین باشند، محال است شیء واحد متعلق برای دو حکم قرار گیرد.

طبق این برهان عقلی؛ باید قائل به اندکاک و تداخل شویم. به این معنا که این دو امر، تداخل پیدا می‌کند و از این دو، يك امر واحد وجوبی مؤکد تولید می‌شود. یعنی این امر استحبابی، در اثر اینکه از ناحیه نذر، يك امر وجوبی آمده، اکتساب وجودیت می‌کند و از آنطرف «اوفوا بالنذور»، عنوان تعبدی ندارد، اگر يك نذری کردید و می‌خواهید به نذرتان وفا کنید، این عنوان واجب تعبدی نیست، بلکه از این امر استحبابی، تعبدیت و عبادیت را اکتساب می‌کنیم.

پس امر استحبابی از امر وجوبی، وجوب را و امر وجوبی از امر استحبابی تعبدیت را اکتساب می‌کند. از این دو امر که در یکدیگر مندرک شده‌اند، امر دیگری، بنام امر وجوبی عبادی متولد می‌شود.

اما در قسم دوم که آن امر طاری، به عین آنچه که امر استحبابی به آن تعلق پیدا کرده، تعلق پیدا نمی‌کند و متعلق امر طاری با متعلق امر استحبابی جدای از یکدیگر است، مثال زده‌اند به جایی که کسی را اجیر کنند، بر اینکه مثلاً از طرف می‌تی، عمل استحبابی مانند حج استحبابی را انجام دهد و یا از طرف زنده‌ای، يك حج استحبابی انجام شود، در اینجا متعلق امر استحبابی حج است، اما امری که از ناحیه اجاره می‌آید، متعلقش آن حج نیست، بلکه متعلقش این است که، عمل را از جانب منوب عنه انجام دهد، متعلق امر اجاری «اتیان العمل من قبل المنوب عنه» است.

اصلاً عقلائی نیست که کسی به دیگری پول بدهد، که فقط يك حج استحبابی انجام دهد، غرض عقلائی به آن تعلق پیدا نمی‌کند. در باب اجاره چون در تعریفش می‌گوییم: «تمليك المنفعة»، اگر بخواهد حقیقت اجاره در اینجا واقع شود، باید این حج استحبابی، از طرف منوب عنه انجام شود، لذا امر موجود از ناحیه اجاره، متعلقش خود حج استحبابی نیست، اگر نایب هم، بدون اینکه قصد منوب عنه را کند، يك حج استحبابی انجام دهد، فایده‌ای ندارد و غرض عقلائی به آن تعلق پیدا نمی‌کند. پس متعلق امری که از ناحیه اجاره می‌آید، حج نیست، بلکه «اتیان الحج من قبل المنوب عنه» است، پس دو متعلق می‌شود. مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: در اینجا که این امر طاری متعلق، جدای از متعلق دیگر دارد، اندکاک معنا ندارد و معقول نیست،

در قسم اول چون امر طاری، متعلقش درست همان متعلق امر استحبابی است، اندکاک مما لا ید منه است، به خاطر همان نکته عقلی که بیان شد.

## جواب نائینی (ره) از قسم اول در عبادات مکروهه

بعد از این مقدمه فرموده‌اند: ما نحن فیه از همین قسم دوم است.

اشکال در قسم اول عبادات مکروهه، - البته این قسم اول در کفایه، در کلام مرحوم نائینی (ره) به عنوان قسم سوم ذکر شده و عنوانش این است که، نهی به ذات عبادت تعلق پیدا کند - این است که صوم یوم عاشورا، امر استحبابی دارد و نهی هم به خود این صوم تعلق پیدا کرده و این امر به نقیضین است.

آنوقت مرحوم نائینی (ره) در مقام حلش فرموده‌اند: در اینجا امر استحبابی، متعلقش صوم است و نهی متعلق دیگری دارد، که تعبد به این صوم است. تعبیرشان این است که، اگر کسی به این صوم تعبد پیدا کرد، تعبد به این صوم، متعلق برای نهی است. چون متعبد به این صوم، تشبه به بنی‌امیه پیدا می‌کند، لذا این تعبد متعلق برای کراهت و نهی است. لذا نائینی (ره) فرموده‌اند: به نظر ما نهی در این صوم یوم عاشورا، همان معنای اصطلاحی خودش را دارد، یعنی در متعلقش مفسده‌ای باشد.

طبق بیانی که ذکر شد؛ در متعلق نهی که عبارت از تعبد است، مفسده وجود دارد، اصل صوم یوم عاشورا که برای ما تشبه به کفار و بنی‌امیه نمی‌آورد، بنی‌امیه نسبت به صوم یوم عاشورا، تعبد خاصی داشته‌اند. مثل اینکه - حالا از باب مثال عرض می‌کنم و الا خیلی فاصله هست - نسبت به صوم یوم غدیر یک تعبد خاصی داریم.

لذا نائینی (ره) فرموده‌اند: اصل صوم یوم عاشورا متعلق استحباب است و بین روزه این روز و روزه سایر ایام، از نظر حقیقت و استحبابیت صوم، فرقی وجود ندارد، لکن آنچه که متعلق برای نهی است، تعبد به این صوم است، چون سر از تشبه در می‌آورد. طبق کلام مرحوم نائینی (ره)، ولو اینکه خودشان هم تصریح نفرموده‌اند، اگر کسی اصلاً خبر ندارد که بنی‌امیه در چنین روزی روزه می‌گیرند، یعنی آن تعبدی را که بنی‌امیه دارند، تبعاً ندارد، عملش، فقط عمل استحبابی محض می‌شود. آنچه که متعلق برای نهی است، تعبد به این صوم است، چون بنی‌امیه نسبت به صوم یوم عاشورا تعبد دارند.

باز روی این کلمه تعبد عنایت کنید، نه اینکه بگوییم: آنها که این را انجام می‌دهند، علاوه بر انجام دادن، یک عنایت خاصی هم نسبت به روزه روز عاشورا دارند.

پس فرق بین کلام مرحوم نائینی و آخوند (قدس سرهما) در این شد که، مرحوم آخوند (ره) طوری راه حل ارائه داده، که نهی و کراهت در معنای حقیقی خودش استعمال نمی‌شود، اما طبق بیان مرحوم نائینی (ره) کراهت و نهی در همان معنای حقیقی خودش، که در متعلق نهی مفسده وجود داشته‌باشد، استعمال شده‌است.

## نقد و بررسی جواب مرحوم نائینی (ره)

در اینجا نسبت به مقدمه‌ای که مرحوم نائینی (ره) ارائه کرده و هم نسبت به جوابی که در ما نحن فیه داده‌اند، اشکالاتی وجود دارد و امام (رضوان الله علیه) در کتاب منهاج الوصول؛ چندین اشکال بر مرحوم نائینی (ره) داشته‌اند.

## اشکال اول به این جواب مرحوم نائینی (ره)

اولین اشکال که به این بیان ذکر می‌کنیم و هر که این کلام را ببیند، این اشکال به ذهنش می‌رسد این است که، چه نیازی به ذکر این مقدمه بود. شما در مقام این هستید که بگویید: متعلق نهی، با متعلق امر استحبابی، دو متعلقند، اما چه نیازی بود که این مقدمه را بیان کنید و بگویید: گاهی اوقات اندکاک به وجود می‌آید و گاهی به وجود نمی‌آید. لزوم و عدم لزوم اندکاک، دخلی در ما

نحن فيه ندارد.

شما در ما نحن فيه می‌گویید: نهی متعلق و امر هم متعلق دیگری دارد و نهی را هم بر همان معنای حقیقی خودش حمل می‌کنید، که این تعبیر، دیگر در کلام امام(ره) نیست.

### اشکال دوم به این جواب مرحوم نائینی(ره)

با قطع نظر از این اشکال، اشکال دیگری که در اینجا وجود دارد این است که، در همان مورد اولی هم که در مقدمه بیان شده، متعلق دوتاست، مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: بین تعلق نذر به صلاه لیل و بین اینکه کسی را بر یک عمل استحبابی اجاره کنند، فرق است.

حال یک مقدار مثالها را نزدیکتر بزنیم، بین تعلق نذر به حج استحبابی و بین اینکه بر انجام حج استحبابی اجیر شود، فرق وجود دارد. در بیان فرق فرموده‌اند: در باب نذر، آن امری که از ناحیه نذر می‌آید، تعلق پیدا کرده به عین آنچه که، امر استحبابی به او تعلق دارد، اما در اجاره و امری که از ناحیه اجاره می‌آید، متعلقها دو تاست.

اشکال این است که، در همان نذر هم، متعلقها دوتاست، کسی که حج استحبابی را نذر می‌کند، متعلق امر استحبابی خود حج است و متعلق نذر و امری که از ناحیه نذر می‌آید، وفاء به نذر است.

بله مکلف در عالم خارج وقتی حج را انجام می‌دهد، این حج، هم عنوان و مصداق حج استحبابی را دارد و هم اینکه مصداق برای وفاء به نذر است، ولی دو متعلق است. امری که از ناحیه نذر می‌آید، به وفاء به نذر تعلق پیدا می‌کند. «اوفوا بالنذور» یعنی «یجب عليك الوفاء بالنذر»، متعلق وجوب، وفاء به نذر است، اما متعلق امر استحبابی، حج است، یا در مثال نماز لیل، متعلق امر استحبابی، صلاه لیل است.

### ثمرات این دو مبنا در فقه

این یک بحث بسیار خوبی است، که در خیلی جاهای فقه هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، طبق کلام مرحوم نائینی(ره)، در باب اینکه نذر، به یک عمل مستحبی تعلق پیدا کند، که قائل به اندکاک و تداخل شده‌اند، پس کسی که می‌خواهد نماز شب بخواند، طبق نظر ایشان، باید نیت وجوب کند، چون ایشان فرموده: آن امر نذری با این امر استحبابی، اندکاک در یکدیگر پیدا می‌کنند و «یتولد منهما امر آخر»، یک امر وجوبی دیگر از این دو متولد می‌شود، لذا کسی که نذر کرده، باید صلاه اللیل را به قصد وجوب بخواند.

اما طبق این بیان امام(رضوان الله علیه)، که شبیه این بیان در کلمات مرحوم بروجردی(قدس سره) هم وجود دارد، در اینجا امر به همین صلاه اللیل تعلق پیدا کرده، وقتی هم که نذر می‌کند، وجوب به صلاه تعلق پیدا نمی‌کند، بلکه وجوب به وفاء به نذر تعلق پیدا می‌کند و لذا طبق این مبنا، باید این شخص که نماز شب را می‌خواند، به همان نیت استحبابی بخواند. بله، اگر نماز شب نخواند، عصیان کرده و با آن وجوب وفاء به نذر مخالفت کرده‌است، که در این صورت هم، نمی‌گویند: صلاه واجب را ترک کرد، بلکه می‌گویند: با وجوب وفاء به نذر مخالفت کرد.

### اشکال سوم به این جواب مرحوم نائینی(ره)

اشکال دیگری که امام(ره) فرموده‌اند این است که: اصلاً نفهمیدیم، این که مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: اینجا دو امر، - امر نذری و امر صلاتی- از یکدیگر اکتساب می‌کنند، معنای اکتساب چیست؟ این که گفته‌اید: از این دو امر، یک امر جدید متولد می‌شود، معنایش چیست؟ این که از دو امر شارع، یک امر دیگری متولد شود، معنا ندارد. «بای دلیل و ای جبه یکتساب الامر غیر العبادي العبادیه»؟ به چه ملاکی بگوییم: آن امر نذری، عبادیت را اکتساب می‌کند و امر استحبابی، وجوب را به دست می‌آورد.

فرموده‌اند: طبق ملاك عقلي مي‌گوييم: «الشيء لا ينقلب اما هو عليه»، اگر در جايي مي‌گوييم: اين امر، امر استحبابي است، ديگر امکان ندارد که، تبديل به وجوبي شود. اگر در جايي امري، امر غير عبادي است، امکان ندارد که خود اين امر غير عبادي، عبادي شود، تولد يك شيء ثالث معنا ندارد.

در آخر اين اشكال دوم، با اينکه من در کلمات امام(ره) خيلي کم اين تعابير را ديدم و واقعاً بايد براي ما هم، درس باشد که عجيب نسبت به نظرات بزرگان با تواضع و احترام رفتار مي‌کردند، مخصوصاً نسبت به مرحوم نائيني(ره) اينچنين‌اند. اينجا که رسیده‌اند، فرموده‌اند: «و لعمرى ان هذا شبه بالشعر منه بالبرهان» اين فرمايش مرحوم نائيني(ره) در اين بحث، شبهه به شعر است، تا اينکه بخواهد دليل و برهان باشد.

واقعاً هم همينطور است، به چه ملاكي مي‌توانيم بگوييم: اين دو امر، منك در يك شيء شوند، اندكاً پيدا کنند و يك امر ثالثي در اينجا متولد شود، اصلاً هيچ دليل و وجهي براي اين معنا نيست. تنها چيزي که مرحوم نائيني(ره) فرموده اين است که، اين امر نذري، درست به عين آنچه امر استحبابي به آن تعلق دارد، تعلق پيدا کرده‌است.

عقل مي‌گويد: يك شيء واحد، نمي‌تواند دو حکم داشته باشد، پس اگر دو حکم ندارد، بايد يا قاعده تزامم و يا تعارض را جاري کنيم و بالاخره يکي را بايد از ميدان خارج کنيم، نه اينکه بگوييم: اين دو دست به دست هم مي‌دهند، تداخل و اندکاً پيدا مي‌کنند و يك شيء ثالثي متولد مي‌شود.

حالا باز دو اشكال ديگر هم هست، که فردا عرض مي‌کنيم و اين قسمت اول را تمام مي‌کنيم ان شاء الله.

وصلی الله على محمد و آله الطاهرين